

لوطیان و ناآرامی‌های شهری در دوره ناصری

داریوش رحمانیان^۱، محسن معصومی^۲، حسین بیاتلو^۳

(دریافت مقاله: ۹۶/۰۹/۱۶، پذیرش نهایی: ۹۶/۱۰/۲۴)

چکیده

لوطی‌گری به‌عنوان میراث زوال یافته عیاری و جوانمردی، در دوره قاجاریه اهمیت و جایگاه بالایی یافت و لوطیان در حیات اجتماعی و سیاسی این دوره نقش مهم و اساسی ایفا کردند. این گروه در آشوب‌های دوره مشروطه سهم چشمگیری داشتند. به علاوه در عرصه اجتماعی و به‌ویژه در ارتباط با ناآرامی‌ها و سرقت‌های شهری، عاملی تعیین‌کننده و مؤثر بودند. وضع نابسامان سیاسی و اجتماعی دوره قاجاریه و ناصری، مناسبات لوطیان با کانون‌های قدرت، نفوذ و قدرت آنها در محلات، انسجام گروهی و نیز ویژگی‌های شخصیتی لوطیان از جمله جسارت و بی‌باکی، فعالیت‌های سارقانه آنان را تشدید می‌کرد. در مقاله حاضر ضمن بررسی زمینه‌ها و بسترهای مؤثر بر افزایش و تشدید فعالیت‌های ناامن‌کننده لوطیان در دوره ناصری، تأثیر این اقدامات و فعالیت‌ها در ایجاد ناآرامی‌های شهری و نیز انواع و چگونگی این اقدامات، بررسی شده است.

کلید واژه‌ها: دوره ناصری، سرقت و ناامنی، قاجاریه، لوطیان

-
۱. دانشیار گروه تاریخ دانشگاه تهران، (نویسنده مسئول)؛ Email: rahmanian@ut.ac.ir
۲. دانشیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران؛ Email: mmassumi@ut.ac.ir
۳. دانشجوی دکتری تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه تهران؛ Email: hbyatloo@yahoo.com

مقدمه

تحقیق درباره قشرهای اجتماعی به سبب کمبود و البته کاستی‌های منابع، بسیار دشوار است. حتی در دوره معاصر که منابع و اسناد زیادی درباره اقشار اجتماعی در دست است نیز، پژوهش در این زمینه دشواری‌هایی دارد. بسیاری از اسناد و گزارش‌ها دارای اغراض خاص سیاسی است و این سوگیری‌ها، ممکن است پژوهشگر تاریخ اجتماعی را گمراه سازد. به علاوه این گزارش‌ها عمدتاً پیرامون کانون‌های قدرت و نقش ابزاری اقشار مختلف در خدمت به قدرتمندان است. با این حال نگارش تاریخ مردم، بدون توجه به نقش قشرها و گروه‌های اجتماعی مختلف، کامل نیست.

در تاریخ ایران، از دوره قاجاریه، پژوهش مستندتر درباره نقش قشرهای اجتماعی در تحولات جامعه، بیش و کم امکان‌پذیر شده است. از جمله این اقشار اجتماعی که در میان طبقات فرودست جامعه جای می‌گرفتند، لوطیان بودند که در برهه‌های مهمی از تاریخ دوره قاجاریه به خصوص در آشوب‌های دوره مشروطه نقش مهمی ایفا کردند. لوطیان در این دوره به مثابه گروه فشار، مورد استفاده کانون‌های قدرت قرار داشتند. ویژگی‌های شخصیتی لوطیان که در بسیاری مواقع با بدمستی و عربه‌کشی و قداره‌کشی همراه بود، تأثیر روانی رفتارهای آنها را در جامعه افزایش می‌داد و گاه موجب ترس و وحشت مردم می‌شد.

در این نوشتار، با بررسی اطلاعات و داده‌های موجود در منابع عهد ناصری، نقش لوطیان را در ناامنی شهری در بررسی و علل و عوامل آن واکاوی شده است. این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش‌ها است: ۱. چه علل و عواملی در ایجاد ناآرامی و ناامنی توسط لوطیان در عهد ناصری موثر بود؟ ۲. این ناآرامی‌ها را چگونه می‌توان دسته‌بندی و تحلیل کرد؟

در پژوهش‌هایی که پیشتر درباره لوطیان و نقش سیاسی و اجتماعی آنان در دوره قاجاریه صورت گرفته است، بیشتر تمرکز بر نقش این گروه اجتماعی در آشوب‌های این دوره و به‌ویژه شورش‌ها و قیام‌های عهد مشروطه است. این پژوهش‌ها را می‌توان به دو دسته کتاب‌ها و مقالات تقسیم‌بندی کرد. دو کتاب ارزشمند از فلور و ونسا مارتین تحلیل‌های قابل توجه و مستندی درباره لوطیان به دست داده‌اند. فلور در جلد نخست *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، دو گفتار با عنوان «لوطی پدیده‌ای اجتماعی در دوره قاجار» و «نقش سیاسی لوطیان در دوره قاجار» آورده است. در گفتار نخست، پیشینه لوطی‌گری و ساخت اجتماعی آن و در گفتار دوم، نقش‌آفرینی لوطیان

در آشوب‌های شهری بررسی شده است (نک: فلور، ۲۴۳/۱، ۲۷۴). بررسی ونسا مارتین درباره لوطی‌ها عمیق‌تر و همراه با تحلیل‌هایی راهگشا است که بر ارزشمندی اثر او افزوده است. اما شواهد مارتین نیز متعلق به کل دوره قاجاریه است و از این رو درباره دوره ناصری آگاهی‌های تفصیلی ندارد. (نک: مارتین، ۱۴۳ به بعد). *جامعه اسلامی در ایران* اثر لمبتون نیز آگاهی‌های مفیدی درباره نقش لوطیان دارد (Lambton, 18-19). سهراب یزدانی در *مجاهدان/مشروطه*، جایگاه لوطیان را در انقلاب مشروطه واکاوی کرده است. تحلیل وی از پدیده لوطی‌گری قابل توجه است (نک: یزدانی، ۲۸ به بعد).

دومقاله «لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره مشروطیت» نوشته رضوی خراسانیو دیگران، و «لوطیان و نقش آنان در آشوب‌های اصفهان بین سالهای ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۵ق» نوشته نصیری و دیگران تحلیل‌های مهمی درباره پدیده لوطی‌گری در دوره قاجاریه ارائه کرده‌اند، هرچند تأکید هر دو نوشته، بر نقش لوطیان در آشوب‌های دوره قاجاریه و به‌ویژه دوره مشروطه است. مقاله «لوطیان اصفهان و نقش سیاسی آنان در تحولات سیاسی شهر اصفهان در دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار ۱۲۶۴-۱۲۱۲هق» نوشته چلونگر و خالدی و مقاله «حاجی هاشم خان لبنانی لوطی یا لومپن؟ و بررسی چرایی شورش او» نوشته ابطحی و معینی، اطلاعات مفیدی درباره لوطیان ارائه کرده‌اند. رزاقی و دین‌پرست نیز در مقاله «نقش تهیدستان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت» نقش اوطیان را در انقلاب مشروطه بازجسته‌اند. مقالات دیگری نیز درباره لوطی و لوطی‌گری در دوره قاجاریه نگاشته شده که اولاً اختصاص به دوره ناصری ندارد و ثانیاً جنبه توصیفی و نه تحلیلی، بر آن غلبه دارد (برای نمونه نک: فرجی، ۹۰-۱۱۴؛ جوادی یگانه و دیگران، ۷۸-۹۶؛ بلوک‌باشی، ۹۹-۱۰۵؛ جلالی، ۱۳۲-۱۵۶؛ کلهر و ماشینچی ماهری، ۱۷۴-۱۸۷).

نوشتار حاضر نسبت به تحقیقات پیش‌گفته از این رو متفاوت است که:

۱. با تأکید بر دوره ناصری نگاشته شده است و از این لحاظ می‌تواند تکمیل‌کننده تحقیقات پیشین باشد.
۲. از آنجا که تمرکز اکثر پژوهش‌های پیشین بر آشوب‌های دوره قاجاریه و عهد مشروطه و نقش لوطیان در آنها بوده، مسأله ناآرامی‌های شهری کمتر مورد توجه قرار گرفته است. در واقع نقش لوطی‌ها در عرصه سیاسی بررسی شده است، اما در این نوشتار سعی بر آن است تا نقش آنان در ناآرامی‌های شهری یعنی در عرصه اجتماعی بررسی شود.
۳. در این نوشتار سعی شده است از منابع جدیدی درباره نقش لوطیان در

ناآرامی‌های دوره ناصری استفاده شود که در پژوهش‌های پیشین یا به آن بی‌توجهی شده یا کمتر مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

تعریف لوطی و انواع آن

لوطیان را باید از گونه‌های تغییر یافته عیاران دانست که در قرون میانه اسلامی فعالیت‌های گسترده‌ای داشتند (نک: زرین کوب، ۱۷۰؛ مارتین، ۱۴۱؛ ترکنمی‌آذر، ۵۷). به باور برخی از پژوهشگران، سنت‌های فتوت و جوانمردی در ایران، در دوره باستانی ریشه دارد و از این رو آیین جوانمردی را در آن دوره جستجو می‌کنند.^۱

عیاران از دیرباز علاوه بر جوانمردی که خوی و خصلت اصلی آنان بود، به عنوان اوباش نیز شناخته می‌شدند و از سوی اعیان و اشراف، تحقیر می‌شدند. با این حال مردم عامی و به‌ویژه جوانان، علاقه داشتند به این گروه بپیوندند (نک: افشاری، آیین جوانمردی، ۹۷). عیاران در واقع نیرویی مخالف در مقابل حکام مستبد و نوعی تکیه‌گاه برای افراد مستمند تلقی می‌شدند (صبوری زالو آبی، ۱۶۷).

لوطی‌ها نیز از اخلاف عیاران پنداشته شده‌اند و تشابهات فراوانی بین برخی از ویژگی‌های اخلاقی آنان با اصول اخلاقی جوانمردان وجود دارد (نک: زرین کوب، ۱۷۰؛ ریاض محمدخان، ۶۴۱). در معنای لفظ لوطی/لوتی اختلاف است^۲، این لفظ از لحاظ پایگاه اجتماعی و نیز افرادی که به این نام خوانده می‌شده‌اند در دوره قاجاریه و در منابع محل بحث بوده است. در واقع نمی‌توان یک گروه مشخص را به‌عنوان لوطی به‌شما آورد. در این دوره بسیاری از جهال و اشرار به جرگه لوطیان می‌پیوستند و از این رو تفکیک این

۱. نک. محبوب، ۷؛ به‌نوشته یکی از محققان: «منشأ فتوت اجتماعی، ایران باستان بوده است و پس از اسلام نیز، در ادامه آیین جوانمردی قدیم، در شکل تشکل‌های آزادگان و سپاهیان در جامعه ایرانی ظاهر شده است. بازماندگان قشر آزادگان ساسانی، در این دوره، در خدمت امرای مسلمان وقت درمی‌آمدند و برای تأمین امنیت مرزهای دارالاسلام، برضد غیر مسلمانان می‌جگیدند. به مرور این قشر تبدیل به غازیان شدند که فقط برای پاداش نمی‌جنگیدند، بلکه مبارزه آن‌ها برای کسب رضای خداوند بود» (گئورگیان، ۱۵۲؛ همچنین نک: بهار، ۱۷۲؛ کرین، ۱۵۶).

۲. این گمان که لوطی از واژه لواط گرفته شده است به نظر درست نیست؛ افشاری در مقدمه *آداب/الطریق* (۳۸-۳۹) این اشتقاق را نقد کرده است. در معانی دیگر نیز لوطی را لوتی دانسته‌اند که به معنای لخت و عریان است و نیز در تعبیری دیگر این لفظ با قوم لوط مرتبط شده است (نک: همان، ۴۰-۳۹؛ همچنین برای آگاهی بیشتر نک: جوادی یگانه و دیگران، ۸۰ به‌بعد).

گروه‌ها و قشرهای مختلف از یکدیگر دشوار است. پیوستن این اشرار به گروه لوطیان نیز از آن رو بود که با استفاده از پایگاه اجتماعی قدرتمند آنان در محلات و نیز ترس و وحشت مردم از لوطیان، با سهولت بسیاری می‌توانستند به فعالیت پردازند.

در برخی از منابع از لوطی‌ها به نیکی یاد شده است، برای مثال مستوفی (۳۰۳/۱) آنها را مردمانی ساده و بی‌آلایش وصف کرده و از خدمات آنان در ایام محرم و در مراسم تعزیه تمجید کرده است. با این حال نویسنده *معایب الرجال* لوطیان را در ردیف اشرار و گروهی وحشی و شیطان‌صفت دانسته است (نک: بی‌بی خانم استرآبادی، ۸۰). تقسیم‌بندی میرزا حسین‌خان تحویلدار اصفهانی از لوطیان تا حدی منطقی می‌نماید^۱، اما این دسته‌بندی نیز کامل نیست و لوطی‌های جوانمرد را دربر نمی‌گیرد.

لوطی‌های دوره قاجاریه را می‌توان در سه دسته کلی جای داد که عبارتند از: ۱. لوطی‌های جوانمرد؛ ۲. لوطی‌های حیوان‌باز که تحویلدار به انواع مختلف آنها اشاره کرده است؛ ۳. لوطی‌هایی که جزء اشرار و عامل ناامنی و دزدی در شهرها بودند. دسته سوم گروهی کج‌رفتار بودند که از نفوذ لوطیان و لوطی‌گری در میان مردم سوءاستفاده می‌کردند. مردم نیز گاه به سبب ترس از این الواط یا ارتباط آنها با کانون‌های قدرت، آنان را بسیار محترم می‌شمردند. به‌نوشته نادر میرزا (۲۱۹) «این کار زشت را تبریزیان سخت مستحسن شمرند. بازرگانان و پیران این الواط و اشرار بی‌پروند. چون خطایی کنند به سرای و بساتین خود برند و حرمت‌ها کنند»^۲. در این نوشتار، گروه سوم لوطیان و نقش آنها در ناآرامی‌های شهری در دوره ناصری بررسی شده است.

۱. نک: تحویلدار اصفهانی (۱۰۳-۱۰۵)؛ او لوطیان را به هفت دسته تقسیم کرده است که عبارتند از:

۱. لوطی‌هایی که شیر نگه می‌داشتند و دور شهر می‌گردانند؛ ۲. لوطی‌های تنبک به دوش که بعضی از آنها خرس و میمون می‌رقصانند؛ ۳. لوطی‌های حقه‌باز که کارهایی خارق‌العاده و عجیب، مانند چشم‌بندی و شعبده و امثال آن انجام می‌دادند؛ ۴. لوطی‌های بندباز و چوبینه‌باز؛ ۵. لوطی‌های خیمه‌شب‌باز که شب‌های شادی و عیش و عروسی‌ها خیمه‌شب‌بازی می‌کردند؛ ۶. لوطی‌های سر خوانچه استاد بقال که گویا طنزبازی می‌کردند و لطیفه‌پرداز و بدیه‌گو و بامزه بودند؛ ۷. لوطی‌های زبردست خونخوار و اشرار شارب‌الخمر غماز و قمارباز و لاطی زانی و دزد که به‌گفته او همین گروه خرابی و ویرانی شهر و ناامنی را باعث می‌شدند.

۲. به نوشته نجمی (۵۱۶) لوطی‌ها جوانمردان از جان گذشته و مردان بی‌آلایش و ساده و پاکدلی بودند که بسیاری از خصوصیات انسان‌های شریف و صفات بارز مردان روزگار گذشته را داشتند و صادقانه به حمایت از ضعیفان و درماندگان برمی‌خاستند. آنها به‌حدی امین و مطمئن بودند که مردان محل، به‌هنگام مسافرت، همسر و فرزندان خود را به یکی از آنها می‌سپردند.

سفرنامه‌نویسان خارجی و منابع ایرانی عهد ناصری (اعم از اسناد، سفرنامه‌ها و کتاب‌های تاریخی)، آگاهی‌های همسویی درباره نقش منفی لوطیان در جامعه ارائه کرده‌اند (برای نمونه‌هایی از گزارش‌های سفرنامه‌نویسان نک: بروگش، در سرزمین آفتاب، ۹۰؛ همو، سفری به دربار سلطان صاحبقران، ۱۸۷/۱؛ ۴۶۷/۲، ۵۶۱، پولاک، ۳۸؛ ویلز، ۱۸۷؛ دوگوبینو، سه سال در ایران، ۵۴؛ همو، سه سال در آسیا، ۱۳۷؛ اورسل، ۲۴۰، ۲۵۱). تنها چند گزارش مثبت درباره لوطیان در سفرنامه‌ها وجود دارد که آن هم در بستری منفی ارائه گردیده است (برای نمونه نک: دوگوبینو، سه سال در آسیا، ۱۳۷). یکی از این گزارش‌ها درباره شخصی است به نام حاجی قوام رهبر رسمی لوطی‌های شیراز است. دوگوبینو او را از یک سو رهبر دزدان معرفی کرده و از سوی دیگر با این که حاجی قوام قتل و جنایت را پیشه خود ساخته بود، وی را شخص خونخواری نمی‌داند (همانجا؛ درباره یکی دیگر از گزارش‌های تقریباً مثبت درباره لوطی‌ها نک: اورسل، ص ۲۵۱-۲۵۲). اغلب منابع ایرانی نگاه مثبتی نسبت به این گروه اجتماعی ندارند.^۱ و آنها را با اوباش و اشرار در یک ردیف قرار داده‌اند. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که نقش ناامن‌کننده لوطیان نسبت به نقش مثبت آنها در جامعه بسیار پررنگ‌تر بوده است. البته شاید منابع به دلایلی تنها گزارش‌های مرتبط با ایجاد ناامنی و اغتشاش به توسط لوطیان را ارائه کرده‌اند. به هر روی، لوطیان به‌مثابه یکی از گروه‌های اجتماعی مهم در عصر ناصری، نقش مثبت و منفی در اجتماع این دوره داشته‌اند، اما به نظر می‌رسد نقش آنها در ناامنی، سرقت و اغتشاش بیشتر بوده است.

زمینه‌های ایجاد ناآرامی‌های شهری توسط لوطیان در دوره ناصری

لوطیان نمی‌توانستند بدون وجود بسترها و زمینه‌های مناسب در دوره ناصری، نقش تعیین‌کننده‌ای در ایجاد ناآرامی‌های شهری داشته باشند. از این رو بایسته است پیش از پرداختن به مصداق‌های ایجاد ناامنی در شهرها توسط لوطی‌ها، به بسترها، زمینه‌ها و عوامل موثر بر افزایش اقدامات ناامن‌کننده آنها پرداخته شود.

۱. برای نمونه در سرتاسر گزارش‌های نظمیه از محلات طهران حتی یک گزارش مثبت نیز درباره لوطی‌ها به چشم نمی‌خورد. درست است که این گزارش‌ها اساساً به بیان جرایم شهری در دوره ناصری پرداخته، اما مسائل و موضوعات بسیاری را دربرمی‌گیرند که بسیار متفاوت‌تر از جرایم و ناامنی‌های شهری است (برای گزارش‌های مرتبط با لوطی‌ها در محلات تهران عصر ناصری در گزارش‌های نظمیه نک: ۷۱/۱، ۸۶، ۸۸، ۹۱، ۹۴، ۱۰۳، ۳۱۱؛ ۴۳۲/۲، ۴۴۴، ۴۸۰، ۵۰۸، ۵۲۵، ۵۹۵، ۵۹۸، ۶۶۸).

۱. **محلات و قدرت لوطی‌ها:** محلات و جمعیت آن در شهرهای مختلف در دوره ناصردین‌شاه و در سال‌های ۱۲۶۹-۱۳۲۰ق، رشد و توسعه چشمگیری داشت. مثلاً تهران در ۱۲۸۶ق، براساس محاسبه نجم‌الملک ۱۴۷۲۵۶ تن جمعیت داشت که این تعداد در ۱۳۲۰ق، به ۲۴۴۴۰۰ تن افزایش یافت. در ۱۲۶۹ق، تهران از پنج محله عودلاجان، ارگ، بازار، سنگلج و چالمیدان تشکیل می‌شد. وسعت این محلات در ۱۳۲۰ق افزایش یافت و محله اعیان‌نشین رشد زیادی کرد. همچنین بر تعداد کوچه‌های شهر نیز افزوده شد (برای اطلاعات تفصیلی نک: اتحادیه، ۲۵ به بعد).

لوطی‌ها در محلات خود قدرت کامل داشتند. در جامعه سنتی و ماقبل صنعتی دوره قاجاریه، افراد نسبت به محله خود احساس وفاداری بسیاری داشتند (نک: فلور، ۲۷۷/۱؛ یزدانی، ۲۸-۲۹). به‌علاوه حکومت در دوره ناصری و پیش از تشکیل نظمیة هنوز سازوکار مشخصی برای کنترل قسمت‌های مختلف شهر به کار نداشت. از این رو نقش لوطیان در اداره و کنترل محلات قابل توجه بود. به‌نوشته عین‌السلطنه (۶۹۹۲/۹) «هر قدر داش مشدی چاله‌میدانی متهور بی‌باک و پهلوان باشد در محله سنگلج زار و زبون است. همین قسم سنگلجی در چاله‌میدان». به نوشته مارتین (۱۵۰) بدون تردید روابط خانوادگی، طایفه‌ای، مذهبی، خاستگاه محلی و شغلی بین لوطی‌های یک محله همدلی به وجود می‌آورد و آنها خود را موظف می‌دیدند به یکدیگر در موقع نیاز یاری رسانند. این شرایط گاه به نزاع‌های خشونت‌آمیز نیز می‌انجامید. دسته‌بندی‌های مختلف در محلات به این نزاع‌ها دامن می‌زد. این دسته‌بندی‌ها در اکثر شهرهای ایران مانند تهران، تبریز، اصفهان، شیراز، اردبیل، دزفول، شوشتر، همدان و رشت اتفاق می‌افتاد (نک: فلور، ۱، ۲۷۸-۲۷۹). از مهم‌ترین این دسته‌بندی‌های، حیدری و نعمتی در شهرهای مختلف بود. رقابت‌های لوطی‌های محلات در دو دسته کردن محلات شهرها با نام حیدری و نعمتی بی‌تأثیر نبود (همان، ص ۱۳۲). این منازعات به‌ویژه در تبریز بسیار متداول بود. به‌نوشته اعتمادالسلطنه (۴۲۱/۱) «اهالی تمامی محلات تبریز مثل سایر شهرهای ایران دو فرقه‌اند، فرقه حیدری و نعمتی. هر یک از این فرقه‌ها لوطی‌هایی در دورن گروه خود پرورش داده بودند که نسبت به محله خودشان تعصب نشان می‌دادند». در این منازعات لوطی‌ها نقشی اساسی برعهده داشتند. قدرتمندی در محله برای لوطیان به‌حدی ارزش داشت که همواره سعی می‌کردند تا از تعداد و قدرت بیشتری نسبت به لوطیان دیگر محلات برخوردار باشند (نک: افضل‌الملک، ۲۷۸).

گرچه به‌نوشته مستوفی (۴۴۵/۱) اقتدار لوطی‌ها و داهی‌ها در محلات می‌توانست موجب دستگیری از ضعیفان و کمک به محرومان و مردمان درمانده گردد، اما همین قدرت می‌توانست عاملی باشد برای تسلط بر مردم و بروز ناآرامی و ارتکاب جرائم از سوی لوطی‌هایی که جزء دسته‌اشرار قرار می‌گرفتند.

۲. شرایط سیاسی و اجتماعی ایران عصر ناصری: در ایران دوره ناصری به‌نوشته

دوگوبینو، به معنای حقیقی دولت وجود نداشت (دوگوبینو، سه سال در ایران، ۴۹). شاه یگانه مرجع رسیدگی به کلیه مسائل و امور کشوری و لشکری، فرمانده کل نیروهای مسلح، ولینعمت همه افراد ملت، امر او لازم‌الاجرا، فرمان او لازم‌الاطاعه و سلطنت او موهبت الهی بود. حتی صدراعظم و وزیران عالی‌رتبه، نوکران شاه محسوب می‌شدند (شمیم، ۳۰۹).

جنگ‌های متعدد داخلی و خارجی پس از انقراض سلسله صفویه و نیز تحولات سیاسی و اقتصادی در اروپا تأثیرات زیانباری بر رشد نیروهای مولد و ابزار تولید گذاشته بود (فوران، ۲۶۸-۲۶۹؛ شعبانی، ۵۴۷؛ نعمانی، ۵۰). کالاهای خارجی در بازارهای ایران گسترش چشمگیری یافته بود و بیکاری بسیار گسترده بود. مقایسه سه شهر شیراز و اصفهان و بوشهر در دوره قاجاریه نشان می‌دهد که موضوع معیشت و اشتغال در توجیه شیوه زندگی و نحوه رفتار لوطیان بسیار تاثیرگذار بوده است (مارتین، ۱۴۷). گرچه نمی‌توان بیکاری لوطیان را صرفاً به‌سبب شرایط نامساعد اقتصادی دانست، بلکه به نظر می‌رسد این گروه چندان تمایلی به اشتغال نداشتند (فلور، ۲۸۰/۱).

رواج گسترده پیش‌کشی، رشوه و نیز وضعیت نامناسب مالیاتی نیز در تشدید این اوضاع نابسامان مؤثر بود. رشوه رواج فراوانی در بین قشرها و گروه‌های مختلف در عهد ناصری داشت به‌گونه‌ای که به یکی از اصول و لوازم قطعی پیشرفت و ترقی در بین مردم و صاحب‌منصبان تبدیل شده بود. انواع مختلف رشوه‌خواری در عهد ناصری که در اشکال پیشکش، مداخل، سیورسات و جعاله فراگیر بود (آدمیت، ۳۱۹)، در گسترش فزاینده فردگرایی خودخواهانه و افراطی در جامعه عهد ناصری، تأثیرگذار بود. حکومت بر بسیاری از مناطق خرید و فروش می‌شد و طبعاً حکامی که مبالغ کلانی را برای خرید امتیاز حکمرانی پرداخته بودند، آن هزینه‌ها را از مردم طلب می‌کردند و در جمع‌آوری مالیات اجحاف بسیاری روا می‌داشتند. (دوروششوار، ۱۱۴؛ رحمانی و دیگران، ۱۳۲). در برخی از گزارش‌ها لوطیان به‌عنوان عاملان خراج خوانده شده‌اند (تحویلدار اصفهانی، ص ۸۸). در لرستان، زمانی که مردم از عهده مالیاتی که به نظام‌السلطنه وعده داده

بودند، برنیامدند، یکی از لوطیان جسور خرم‌آباد به نام مشهدی عبدالعلی ساکی پذیرفت تا پیام را به نظام‌السلطنه ابلاغ کند (والیزاده معجزی، ۵۸۵-۵۸۶).

۳. ارتباط با کانون‌های قدرت: لوطیان در منازعات میان دربار و خاندان‌های بانفوذ محلی و مذهبی به‌مثابه ابزار، مورد استفاده قرار می‌گرفتند (فلور، ۲۸۲/۱). چرا که لوطیان افراد متهور و جسوری بودند و همواره سلاح سرد به همراه داشتند و به راحتی تن به درگیری و نزاع‌های خونین می‌دادند. در مقابل افراد متنفذ و قدرتمند نیز تاحد ممکن از لوطی‌ها طرفداری می‌کردند و اگر گرفتار می‌شدند برای آزادی آنها می‌کوشیدند. برای نمونه در سال ۱۳۱۱ق، در شیراز بعضی از اوباش و لوطی‌ها که با عین‌الملک در ارتباط بودند، یکی از صاحب‌منصبان نظمیه را کتک زدند و به بیرون شهر گریختند. نوکران بیگلربیگی کوشیدند آنها را به شهر برگردانند، اما نوکران عین‌الملک از لوطی‌ها جانبداری کردند و آنها را به‌زور آزاد کردند (مارتین، ۱۵۷). رهبران مذهبی نیز از وجود لوطی‌ها برای اعتراض‌ها و پیشبرد مقاصد خود استفاده می‌کردند. برای مثال امام جمعه تهران لوطیان فراوانی داشت و آنها را در مسجد پناه می‌داد (اقبال آشتیانی، ۱۷۲). در شورش سال ۱۲۹۶ق در اصفهان، لوطیان از یکی از علماء در مقابل حکومت ظل‌السلطان حمایت کردند و بازارها را بستند (رجائی، ص ۲-۴). چند تن از لوطیان و جهال که زنی را با خود می‌بردند، در پاسخ به اعتراض امین‌الدوله گفتند: «آقا جان حکم شهر به شما نیست. اگر میل داری با این طپانچه شکمت پرودود شود، نزدیک بیا. آقای ما (امین‌الملک) کسی است که ناصرالدین‌شاه هم نمی‌تواند به ما حکم کند» (امین‌الدوله، ص ۱۸۳-۱۸۴).

۴. تشکیلات سازمان‌یافته لوطیان: لوطی‌ها در دوره قاجار تشکیلات نسبتاً منسجمی داشتند. لوطیان هر محله تحت رهبری فردی به‌نام «لوطی‌باشی» فعالیت می‌کردند. فلور (۲۴۸) لوطی‌باشی را فردی متمول دانسته است که سهمی تا حدود ۱۵ درصد از لوطیان بازیگر می‌گرفته است.^۱ گروه پرشماری از لوطیان از لوطی‌باشی حرف‌شنوی داشتند و همین سازماندهی بود که آنها را قادر می‌ساخت بر امور سیاسی شهر تاثیرگذار باشند. ارتکاب سرقت و دیگر جرائم و نیز ایجاد ناآرامی از سوی آنان معمولاً به‌شکل فردی انجام نمی‌گرفت (نک: گزارش‌های نظمیه از محلات تهران، صفحات متعدد). همچنین آنها در درگیری‌هایی که ایجاد می‌کردند تا حدودی به حمایت دوستان و رفیقان خود متکی بودند (مارتین، ۱۵۶).

۱. لوطی‌باشی شیراز در حدود دهه ۱۲۷۰ق، با پولی که ذخیره کرده بود، توانست زمین و ده بخرد و در سال‌های پایانی عمرش مسلمانی پرهیزگار شد و زندگی مرفه و آبرومندانه‌ای برای خود مهیا کرد (مارتین، ۱۴۹).

عوامل پیش‌گفته موجب می‌شد لوطیان در محلات تحت نفوذ خود از چند جهت قدرت و اختیار عمل داشته باشند: نخست آنکه آنان به‌مثابه افراد تأثیرگذار در محلات از هیبت و هیمنه خود در نظر مردم عادی استفاده می‌کردند و به سرقت و ایجاد ناآرامی و ناامنی می‌پرداختند. دوم آنکه ارتباط اغلب آنها با کانون‌های قدرت، موجب می‌شد که از اقدامات آنها پشتیبانی شود. لوطیان به کانون‌های قدرت یاری می‌رساندند و قدرت‌های محلی و مذهبی نیز از برخی اقدامات مجرمانه آنها چشم‌پوشی و حتی از آن پشتیبانی می‌کردند. سوم آنکه؛ تشکیلات لوطی‌ها و حمایت‌های آنان از یکدیگر بر قدرت و ابتکار عمل آنها می‌افزود. شرایط آشفته سیاسی و اجتماعی دوره ناصری نیز در ایجاد ناامنی توسط لوطی‌ها مؤثر بود.

لوطیان و ناآرامی در دوره ناصری

سرقت: سرقت‌های شهری از مهم‌ترین ناآرامی‌هایی بود که لوطیان نقش تعیین‌کننده‌ای در آن داشتند. در دوره قاجاریه لوطی‌ها با استفاده از قدرت و نفوذ خود در شهرها و محلات، معمولاً از تمام قشرها و گروه‌های اجتماعی، سرقت می‌کردند. به‌نوشته سپهر (۱۰۰/۲، ۲۵۴) «لوطیان شبانه به خانه‌های بازرگانان می‌ریختند و زن و فرزند را فضااحت می‌کردند و اموال آنان را به غارت می‌بردند. اگر کسی از حدیث شبانه یاد می‌کرد، شب دیگر سر از تنش برمی‌داشتند». از لوطیان پیش از دوره ناصری که به همراه دارودسته خود به اعمال سارقانه می‌پرداختند، می‌توان از حاجی هاشم‌خان لبنانی یاد کرد که فردی بسیار متنفذ و قدرتمند بود و لوطی‌های بسیاری به‌عنوان نوچه او خدمت می‌کردند. حاجی هاشم‌خان و لوطیان شب و روز، مخفیانه و آشکارا مال مردم را به می‌دزدیدند و حکومت نیز توان مقابله با آنان را نداشت (برای نمونه‌هایی از سرقت‌های دارودسته هاشم‌خان لبنانی نک: همان، ۳۵۵/۱؛ مفتون دنبلی، ۳۸۶، ۳۸۷؛ حسینی فسایی، ۷۲۵/۱).

اقدامات سارقانه لوطیان در دوره ناصری نیز به‌شکل وسیع و در اغلب شهرهای مهم ایران ادامه داشت عین‌السلطنه (۸۷۷/۱) در اواخر دوره ناصری بر اغتشاش و آشوب تمام عیار لوطیان در تهران اشاره کرده است. آنها نه‌تنها آشکارا و نهان اقدام به سرقت می‌کردند، بلکه به هنگام بحران، دزدی‌هایشان دو چندان می‌شد. در چنین موقعیتی آنها از طرف یکی از کانون‌های قدرت حمایت می‌شدند و احتمال آنکه تعقیب و دستگیر شوند نیز اندک بود. یکی از گزارش‌های ارزشمند که براساس آن می‌توان تشدید سرقت

توسط لوطیان را در جریان بحرانی سیاسی دریافت، درباره اغتشاش در اصفهان به سال ۱۲۹۶ ق است که طی آن قدرتی مذهبی و متنفذ در این شهر با قوای حکومتی به رهبری ظل‌السلطان درگیر شده و شهر را ناآرام کردند. «زیاده از ده، دوازده هزار نفر اوباش و الواط که اغلب در زیر لباس و جیب و بغل خود طپانچه و اسلحه‌ها بسته بودند به اتفاق آقایان به تلگرافخانه مبارکه هجوم بردند...» (رجائی، ۳). در این ناامنی چند روزه، مردم زیادی قربانی شرارت‌های لوطیان شدند (همان، ص ۴). در این شورش به اجبار کانون‌های قدرتمند مذهبی و دخالت لوطیان، بازارها بسته شد. از این رو بسیاری از بازاریان با کمبود معیشت مواجه شده بودند. زین‌فروشی در حالی که می‌گریست و از گرسنگی چند روزه زن و فرزند خود شکایت داشت و اظهار می‌کرد که «تا کنون چهار نوبت دکان خود را باز نموده‌ام که به کسب خود مشغول شوم، شخص از گماشتگان ح ن (حجه‌السلام نجفی) با قمه و چوب مرا زده و تخت‌های دکان مرا شکسته و مایملک مرا به غارت برده و فحش‌های غریبه به زن من داده مانع از کسب من شده‌اند» (همانجا). به گزارش دوگوبینو (سه سال در آسیا، ۲۱۵) در جریان اعلان نبرد حکومت ایران برضد انگلیس (جنگ هرات) «نگرانی بزرگ این بود که افراد طبقات پایین جامعه (مانند لوطیان و جهال و بزن بهادرها) مسلح شوند و شهرها را زیر پا بگذارند و همانطور که هر وقت در کشور ما وطن در خطر می‌افتد ناراحتی‌هایی از جانب این مدافعان وطن ایجاد می‌شود، در اینجا هم همان اوضاع تکرار شود. (مردم) از هم اکنون دکان‌های غارت‌شده، خانه‌های مورد تهاجم قرار گرفته و هرج و مرج و کشتار را در نظر مجسم می‌کردند».

سفرنامه‌نویسان اروپایی نیز بارها به اغتشاش‌های دوره ناصری که طی آن شهر و مردم از سوی لوطیان سرقت شده‌اند، اشاره کرده‌اند. به گزارش بروگش (سفری به دربار سلطان صاحبقران، ۵۶۱/۲) از تهران دوره ناصری، به‌دنبال گرانی و قحطی نان، وضع شهر رو به وخامت گذاشت و لوطیان و اشرار به دستبردها و سرقت‌های خود افزودند. «آنها به دزدی و غارت و دست‌اندازی در محلات شهر اکتفاء نکرده و دامنه عملیات خود را به خارج از شهر گسترش داده بودند ... و کاروان‌ها را مورد حمله قرار می‌دادند و اموال آنان را غارت می‌کردند». مجازات این لوطیان دزد سنگین بود. به فرمان شاه سر از تن آنان جدا کردند و اجسادشان را به دم دو اسب بستند و در محلات شهر گرداندند. در گزارشی دیگر باز هم به سبب گرانی قیمت نان و دیگر اقلام، ۲۰ تن از لوطیان محلات مختلف دستگیر شدند و گوش، بینی و زبان‌شان بریده شد و دو نفر دیگر را سر بردند.

اما دو تن از آنان را که هنگام سرقت از خانه‌ها چند نفر را به قتل رسانده بودند، با مجازات شدیدتری به قتل رساندند. طنابی به دور گردن آنها انداختند و سپس آنها را روی زمین آنقدر این طرف و آن طرف کشیدند تا پس از شکنجه زیاد خفه شدند (همان، ۵۸۷/۲).

دارودسته و گروه منسجم لوطیان و حرف‌شنوی آنها از لوطی‌باشی در ارتکاب اعمال سارقانه و تشدید آن مؤثر بود. حاجی قوام سرشناس‌ترین لوطی شیراز و یکی از مشهورترین لوطیان دوره ناصری بود که هیچ سرقتی در شیراز بدون سهم‌خواهی او انجام نمی‌گرفت. قدرت او بیش از یک لوطی ساده و سارق و قاتل بود. به‌نوشته دوگوبینو (سه سال در آسیا، ۱۳۷) «... هرگونه اقدام قضایی علیه حاجی قوام از آنجایی که به دست قضاتی حل و فصل می‌شد که حامی منافع او بودند، به جایی نمی‌رسید... او به دفعات مورد سوءظن قرار گرفته است، ولی دستگاه حکومتی شیراز را با تشکیلات منظم و قوی‌ای که به لات‌های شهر داده تقریباً عاجز کرده است». حتی ناصرالدین‌شاه نیز به لوطی‌باشی‌گری او، در طی نامه‌ای اشاره کرده است (اسناد تاریخی خاندان غفاری، ۶۲/۲). لوطی‌های تحت فرمان حاجی قوام، به آسانی هر نوع جرمی را مرتکب می‌شدند و جامعه را ناامن می‌ساختند. در یزد نیز انسجام لوطیان و رفتار گروهی آنها در پیشبرد کارشان مؤثر بود. به‌نوشته نظام‌السلطنه مافی (۷۰/۱) «... یزد از قدیم الواط شهری داشته است که یک نفر رئیس برای خود تعیین می‌کردند و اسباب اغتشاش و شرارت و بی‌نظمی کار حکومت می‌شدند. در این دو سال، قربان نامی را بر خود رئیس کرده و شب‌ها می‌فرستند از تجار پولی برای مخارج خود می‌گیرند. و اگر به پسر و زن و دختر کسی هم مایل باشند، می‌فرستند پیغام می‌کنند که، باید حکما بیائی. پدر و مادر و شوهر، قدرت ممانعت و خود آنها قدرت طفره ندارند». به‌گزارش بروگش (سفری به دربار سلطان صاحبقران، ۴۶۷/۲) در شیراز لوطی‌ها قدرت بسیاری داشتند. او لوطی‌ها را «فعال مایشاء» خوانده است. هر دسته از لوطی‌ها یک لوطی‌باشی داشته‌اند که محلاتی از شهر را در اختیار می‌گرفته و به دزدی و غارت می‌پرداختند. این لوطیان با مقامات شهری نیز مرتبط بودند و به آنان باج می‌دادند. لوطی‌های شیراز، پزشکانی در اختیار داشتند که هرگاه شخصی را مضروب می‌کردند، آن پزشک را بر بالین فرد مجروح می‌فرستادند تا او را با دارو به قتل برسانند. بروگش در ادامه گزارش خود اینگونه آورده است: «در زمان مرگ محمدشاه و جلوس ناصرالدین‌شاه، قدرت لوطی‌ها به اوج خود رسید. در آن هنگام در شیراز علیه ناصرالدین‌شاه که تازه بر تخت سلطنت نشسته بود،

قیام و شورش روی داد و در این هرج و مرج، لوطی‌ها زمام امور شهر را به دست گرفتند، بزور وارد خانه مردم می‌شدند و اموال آنها را غارت می‌کردند، در مغازه‌ها و حجره‌ها را باز می‌کردند و اموال و کالای تجار را به غارت می‌بردند.

قدرت و نفوذ لوطیان و نیز بی‌باکی و جسارت برخاسته از تیپ لوطی‌گری، در نوع سرقت‌های آنان نیز قابل بررسی است (برای نمونه‌ای از سرقت‌های عجیب یکی از لوطیان در تهران نک: گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، ۵/۱). گاه سرقت‌های مسلحانه با قتل و جرائم دیگر همراه بود (برای نمونه نک: گزارش‌های تلگرافی آخرین سالهای عصر ناصرالدین‌شاه، ۱۴۶؛ وقایع اتفاقیه، ۱۴۸). لوطیانی که با حیوانات برنامه اجرا می‌کردند نیز گاه از این حیوانات برای سوءاستفاده از مردم سود می‌جستند (قزوینی، ۱۱۲؛ پاتینجر، ۲۴۴؛ گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، ۶۶۸/۲).

نزاع‌های محلی: نزاع‌های خیابانی الواط نیز عاملی مهم در ایجاد ناامنی محسوب می‌شد. از آنجا که هر محله تحت تسلط عده‌ای از لوطی‌ها بود، با کم‌ترین بهانه درگیری‌ای جدی میان الواط بروز می‌کرد. گزارش‌های نظمیه از محلات طهران را می‌توان از منابع دسته اول و منحصر به فرد درباره این نزاع‌های محلی دانست. برای نمونه در یکی از گزارش‌های آن، دو تن از بنیان تهران به واسطه اختلاف مالی با یکدیگر درگیر شدند و جمعی از الواط گذر امامزاده یحیی و گذر باغ پسته‌بیگ به حمایت از هم‌محلی‌های خود زدو خوردی کردند که کار با مداخله نظمیه خاتمه یافت (گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، ۵۹۸/۲). در ذیقعدۀ ۱۳۰۳ق، در محله دولت تهران، بر سر آب نزاعی در گرفت که یکی از لوطیان به نام سید محمود، در آن نقش اساسی داشت. وی با میراب همدست شده بود و مردم محله را تحت فشار قرار می‌داد تا پول بیشتری از آنان بگیرد (همان، ۹۱/۱). در این نزاع‌ها گاه اهل محل و گروه‌های مختلف دخالت می‌کردند. ذیقعدۀ ۱۳۰۴ق، الواط با طلاب مدرسه‌ای دینی درگیر شدند که با دخالت نظمیه ماجرا فیصله یافت (همان، ۵۰۰/۲). در نمونه‌ای دیگر نیز الواط با سربازهای قشون درگیر شدند (همان، ۵۰۹/۲). در گزارشی جالب و قابل توجه، یکی از مردم محل (محله دولت) به نام عیسی‌خان سرهنگ برای ممانعت از شرارت لوطی‌ای، با او درگیر شد و لوطی سر او را مجروح کرد. لوطی برای تبرئه خود با ماده‌ای بدن خود را سیاه کرد تا وانمود کند که عیسی‌خان او را کتک زده است (همان، ۵۹۶/۲).

لوطیان به هیچ وجه حاضر نبودند از مقررات نظمیه پیروی کنند (شهیدی، ۱۹۱). در

گزارشهای نظمیه از محلات طهران، گزارش‌هایی درباره درگیری لوطیان با نیروهای نظمیه وجود دارد (گزارشهای نظمیه از محلات طهران، ۷۱/۱، ۳۱۱؛ ۴۳۲/۲، ۴۸۰، ۵۰۹، ۵۸۸).

تجاوز به نوامیس: قدرت لوطی‌ها و نیز ارتباط و پیوستگی آنان با کانون‌های قدرت، به آنان اجازه می‌داد حتی به راحتی به نوامیس مردم تجاوز کنند. یکی از گزارش‌ها در این باب در *خاطرات سیاسی امین‌الدوله* آمده است. براساس این گزارش چند تن از لوطی‌ها و جهال که گویا با دستگاه صدارت نیز در ارتباط بودند، زنی را با خود می‌بردند. التماس و خواهش مکرر زن از مردم اطراف و نیز امین‌الدوله و ناتوانی آنان در یاری رساندن به زن، نشان می‌دهد که لوطیان تا چه پایه در پایتخت از قدرت و نفوذ برخوردار بوده‌اند (امین‌الدوله، ۱۸۳-۱۸۴). در گزارشی دیگر الواط زنی را به باغی کشیده و بی‌سیرت کردند. شوهر او که متوجه این عمل الواط شده بود، در کوچه به سر خود می‌زد و می‌گریست. فراشبازی حکومت یکی از این الواط را گرفت و در ازای دریافت ۱۰ تومان آزاد کرد (گزارش‌های اوضاع سیاسی، اجتماعی ولایات عصر ناصری، ۸۹). در گزارشی دیگر از سال ۱۳۰۰ق، الواط زنی را ربودند. نیروهای حکومتی آنان را دستگیر کردند و به هر کدام ۲۰۰۰ ضربه چوب زدند. سپس به همسر زن ربوده شده لنگه کفشی دادند و او به همراه یک فراش سر و صورت لوطی را به‌شدت مجروح کرد (آقا میرزا محمدعلی‌خان، ۳۷۱؛ برای گزارش‌هایی دیگر درباره تجاوزهای لوطی‌ها نک: یزد در اسناد امین‌الضرب، ۲۷۰؛ گزارش‌های نظمیه از محلات طهران، ۱۰۳/۱؛ نظام‌السلطنه مافی، ۷۰/۱؛ اسناد و نامه‌های امیرکبیر، ۲۸۳-۲۸۴). این اقدامات لوطیان زندگی خانوادگی زنان را تحت‌الشعاع قرار می‌داد.

نتیجه

لوطیان به‌عنوان گروهی سازمان‌یافته در عهد قاجاریه، علاوه بر آن که تأثیر بسیاری در ناآرامی، سرقت و آشوب‌های عهد ناصری و در کل دوره قاجاریه داشتند، به مردم نیز آسیب جدی می‌زدند. در میان انواع ناآرامی‌هایی که لوطیان مسبب و ایجادکننده آن بودند، سرقت بیش از دیگر گونه‌ها، در منابع دوره ناصری بازتاب یافته است. سرقت‌های لوطی‌ها برخلاف سرقت‌های مخفی که معمولاً بدون آسیب‌های جانی انجام می‌گرفت، در اکثر مواقع با زور و خشونت و بی‌رحمی همراه بود و از این‌رو، اعمال سارقانه آنها با دیگر جرایم نیز همراه می‌شد و ناآرامی‌های ایجادشده توسط لوطی‌ها را دوچندان

می‌کرد. از طرف دیگر لوطی‌ها تحت تأثیر عوامل مختلفی مانند ارتباط با کانون‌های قدرت، جسارت و بی‌باکی، نفوذ در محلات و وضع نابسامان سیاسی و اجتماعی در دوره ناصری، دارای نفوذ بودند و به این ترتیب اعمال مجرمانه خود را با سهولت بیشتری انجام می‌دادند. همچنین قدرت لوطیان در جامعه عهد قاجاریه به حدی بود که در بسیاری مواقع حکومت و سیستم‌های امنیتی شهری را نیز به چالش می‌کشید. از این رو نظمی همواره با این نیروی ناامن‌کننده شهری درگیر بود.

منابع

- آدمیت، فریدون، *امیر کبیر و ایران*، تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲ ش.
- آقا میرزا محمد علی خان، *سفرنامه پیشخدمت (۱۳۰۰ق) در سفرنامه‌های خطی فارسی*، تصحیح و پژوهش هارون وهومن، تهران: نشر اختران، ۱۳۸۸ ش.
- ابطحی، علیرضا و معینی، مینا، «حاجی هاشم خان لُنبانی یا لومپن؟ و بررسی چرایی شورش او (۱۲۳۹ تا ۱۲۴۰ق/۱۸۲۳ تا ۱۸۲۴م)»، *فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی*، سال پنجاه و سوم، دوره جدید، سال نهم، شماره دوم (پیاپی ۳۵)، پاییز ۱۳۹۶ ش.
- اتحادیه (نظام مافی)، منصوره، *اینجا طهران است... مجموعه مقالاتی درباره تهران ۱۲۶۹-۱۳۴۴ هق*، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۷۷ ش.
- اسناد تاریخی خاندان غفاری*، به کوشش کریم اصفهانیان، بهرام غفاری، علی اصغر عمران، تهران: بنیاد موقوفات دکتر محمود افشار، ۱۳۸۵ ش.
- اسناد و نامه‌های امیرکبیر*، نگارش و تدوین سید علی آل داود، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۹ ش.
- اعتمادالسلطنه، محمدحسن خان، *مرآت‌البلدان*، چاپ محمدعلی سپانلو، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۲ ش.
- افشاری، مهران، *آیین جوانمردی، مرام و سلوک طبقه عامه ایران*، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۸۴ ش.
- همو، *مقدمه قلندرنامه‌ای آداب‌الطریق*، تهران: نشر چشمه، ۱۳۹۵ ش.
- افضل‌الملک، غلامحسین، *افضل‌التواریخ*، چاپ منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۱ ش.
- اقبال آشتیانی، عباس، *میرزا تقی‌خان امیرکبیر*، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۰ ش.
- امین‌الدوله، *خاطرات سیاسی*، چاپ حافظ فرمانفرما، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳ ش.
- اورسل، ارنست، *سفرنامه قفقاز و ایران*، ترجمه علی اصغر سعیدی، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۲ ش.

- آمار دارالخلافه تهران (اسنادی از تاریخ اجتماعی تهران در عصر قاجار)، چاپ سیروس سعدوندیان و منصوره اتحادیه (نظام مافی)، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۸ش.
- بروگش، هینریش، در سرزمین آفتاب دومین سفرنامه هینریش بروگش، ترجمه مجید جلیوند، تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۴ش.
- همو، سفرنامه ایلچی پروس (آلمان) در ایران سفری به نربار سلطان صاحبقران، ترجمه مهندس کردیچه، تهران: اطلاعات، ۱۳۶۷ش.
- بلوک باشی، علی، «پدیده‌ای به نام لوطی و لوطیگری در حیات اجتماعی تاریخ ایران»، فرهنگ مردم، شماره ۸ و ۹، بهار ۱۳۸۳ش.
- بهار، مهرداد، جستاری در فرهنگ ایران، تهران، نشر فکر روز، ۱۳۷۶ش.
- بی‌بی خانم استرآبادی، معایب الرجال در پاسخ به تادیب‌النسوان، چاپ افسانه نجم‌آبادی، نیویورک: ۱۳۷۱ش.
- پاتینجر، هنری، سفرنامه پاتینجر، ترجمه شاپور گودرزی، تهران: کتابفروشی دهخدا، ۱۳۸۴ش.
- پولاک، یاکوب ادوارد، سفرنامه پولاک «ایران و ایرانیان»، ترجمه کیکاووس جهانداری، تهران: شرکت سهامی انتشارات خوارزمی، ۱۳۶۱ش.
- تحویلدار اصفهانی، حسین بن محمد بن ابراهیم، جغرافیای اصفهان، جغرافیای طبیعی و انسانی و آمار و اصناف، چاپ منوچهر ستوده، تهران: دانشگاه تهران، ۱۳۴۲ش.
- ترکمنی آذر و همکاران، تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در دوره صفاریان و علویان، تهران: سمت، ۱۳۸۷ش.
- جلالی، نادره، «لوطی‌گری در عصر قاجار»، پیام بهارستان، دوره دوم، سال سوم، شماره ۱۱، بهار ۱۳۹۰ش.
- جوادی یگانه، محمدرضا و جعفر آقایی، محمدرضا و مختاری اصفهانی، رضا، «مرام و مسلک لوطیان در دوره قاجار»، جامعه پژوهی فرهنگی، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.
- چلونگر، محمدعلی و خالدی، هوشنگ، «لوطیان اصفهان و نقش سیاسی آنان در تحولات سیاسی شهر اصفهان در دوره فتحعلی‌شاه و محمدشاه قاجار ۱۲۶۴-۱۲۱۲هـ.ق»، فرهنگ اصفهان، شماره‌های ۴۱ و ۴۲، پاییز و زمستان ۱۳۸۷ش.
- حسینی فسایی، حج میرزا حسن، فارسنامه ناصری، چاپ منصور رستگار فسایی، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۲ش.
- دوروششوار، کنت ژولین، خاطرات سفر ایران، ترجمه مهراں توکلی، تهران: نشر نی، ۱۳۷۸ش.
- دوگوبینو، ژوزف آرتور، سه سال در ایران، ترجمه ذبیح‌الله منصوری، تهران: انتشارات فرخی، بی‌تا.
- همو، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، تهران: نشر قطره، ۱۳۸۳ش.
- دولت‌آبادی، یحیی، حیات یحیی، تهران: عطار، ۱۳۷۱ش.

- دهقان‌نژاد، مرتضی، «آسیب‌شناسی انقلاب مشروطه با تکیه بر نقش اقشار لمپن»، *مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان*، جلد بیست‌وهشتم، شماره ۷، سال ۱۳۸۶ ش.
- رجائی، عبدالمهدی، *تاریخ اجتماعی اصفهان در عصر ظل‌السلطان (از نگاه روزنامه فرهنگ اصفهان)*، چاپ عبدالمهدی رجائی، اصفهان: دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۳ ش.
- رحمانی، محمود و محمد خانی، سعید و دهقان‌نژاد، مرتضی، «درآمدی بر رشوه، پیشکش و انواع آن در عهد قاجار (با تکیه بر عهد ناصری)»، *تاریخ اسلام و ایران*، شماره ۱۷، بهار ۱۳۹۲ ش.
- رزاقی، نادر و دین‌پرست، ولی، «نقش تهیدسان شهری و لوطیان و جهال تهران در انقلاب مشروطیت»، *تحقیقات تاریخ اجتماعی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال چهارم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۳ ش.
- رضوی خراسانی، حسین و نصیری، محمدرضا و رحمانیان، داریوش و صوفی، علیرضا، «لوطیان و نقش آنان در حوادث و آشوب‌های تهران در دوره مشروطیت»، *مطالعات تاریخ فرهنگی*، پژوهش‌نامه انجمن ایرانی تاریخ، سال ششم، شماره بیست‌وچهارم، تابستان ۱۳۹۴ ش.
- ریاض محمدخان، «مختصری از نهضت فتوت در ایران و جهان اسلامی»، *جستارهای ادبی*، شماره ۲۶، ۱۳۸۲ ش.
- زرین‌کوب، عبدالحسین، *ارزش میراث صوفیه*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۷ ش.
- سپهر، محمدتقی لسان‌الملک، *ناسخ‌التواریخ*، به کوشش جمشید کیانفر، تهران: اساطیر، ۱۳۷۷ ش.
- شعبانی، رضا، *مبانی تاریخ اجتماعی ایران*، تهران: نشر قومس، ۱۳۸۱ ش.
- شمیم، علی اصغر، *ایران در دوره سلطنت قاجار*، تهران: مدبر، ۱۳۷۵ ش.
- شهیدی، حسن، *سرگذشت تهران*، تهران: راه مانا، ۱۳۸۳ ش.
- صبوری زالوآبی، آرش، «عیاران»، *فصلنامه تاریخ پژوهی*، شماره ۵۱، تابستان ۱۳۹۱ ش.
- عین‌السلطنه (قهرمان میرزا سالور)، *روزنامه خاطرات عین‌السلطنه*، چاپ مسعود سالور و ایرج افشار، تهران، اساطیر، ۱۳۷۴ ش.
- فرجی، مهدی، «درآمدی بر شناخت ویژگی‌ها و عملکرد سیاسی - اجتماعی لوطیان و مشت‌های دوره قاجار»، *تاریخ پژوهی*، شماره‌های ۴۶ و ۴۷، بهار و تابستان ۱۳۹۰ ش.
- فلور، ویلم، *جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار*، ترجمه ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس، ۱۳۶۶ ش.
- فوران، جان، *مقاومت شکننده تاریخ تحولات اجتماعی ایران*، ترجمه احمد تدین، تهران: رسا، ۱۳۹۰ ش.
- قزوینی، محمد شفیق، *قانون قزوینی انتقاد اوضاع اجتماعی ایران دوره ناصری به همراه رساله پیشنهادی برای اصلاح امور مملکت*، چاپ ایرج افشار، طلایه، ۱۳۷۰ ش.

- کرین، هانری، *آیین جوانمردی*، ترجمه احسان نراقی، تهران: نشر نو، ۱۳۸۳ ش.
- کلهر، محمد و ماشینچی ماهری، شهروز، «لمپن‌ها در گذار از مشروطیت به عصر پهلوی اول»، *مسکویه*، سال ۴، شماره ۱۱.
- گزارش‌های اوضاع سیاسی، اجتماعی ولایات عصر ناصری (۱۳۰۷ هـ.ق)*، به کوشش محمدرضا عباسی و پرویز بدیعی، تهران، سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۲ ش.
- گزارش‌های نظمیه از محلات طهران راپورت وقایع مختلفه دارالخلافه (۱۳۰۳-۱۳۹۵ قمری)*، به کوشش انسیه شیخ رضائی و شهلا آذری، تهران: انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ۱۳۷۷ ش.
- گئورگیان، خاچیک، «مقایسه مکتب فتوت ایران با شه‌سواران اروپا»، *سخن عشق*، س ۳۳ و ۳۴، ۱۳۸۶ ش.
- لندور، آرنولد هنری ساویچ، *اوضاع سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و بازرگانی ایران در آستانه مشروطیت «در سرزمین آرزوها»*، ترجمه علی اکبر عبدالرشیدی، تهران: انتشارات اطلاعات، ۱۳۸۸ ش.
- مارتین، ونسا، *عهد قاجار مذاکره، اعتراض و دولت در ایران قرن سیزدهم*، ترجمه حسن زنگنه، تهران: توس، ۱۳۸۷ ش.
- محبوب، محمدجعفر، «جوان‌مردی در ایران اسلامی»، *ایران‌نامه*، شماره ۲۱، ۱۳۷۱ ش.
- مستوفی، عبدالله، *شرح زندگانی من، تاریخ اجتماعی، اداری دوره قاجار*، تهران: هرمس، ۱۳۷۱ ش.
- مفتون دنبلی، عبدالرزاق، *مآثر سلطانیه*، به کوشش غلامحسین صدری افشار، تهران: ابن‌سینا، ۱۳۵۱ ش.
- میرجعفری، حسین، «منازعات نعمتی و حیدری در ایران»، *دانشکده ادبیات و علوم انسانی (دانشگاه اصفهان)*، دوره دوم، شماره ۱، سال ۱۳۶۱ ش.
- نادر میرزا قاجار، *تاریخ و جغرافی دارالسلطنه تبریز*، چاپ غلام‌رضا طباطبایی مجد، ستوده، تبریزی، ۱۳۷۳ ش.
- ناطق، هما، *ایران در راه یابی فرهنگی ۱۸۳۴-۱۸۴۸ م*، لندن: مرکز چاپ و نشر پیام، ۱۹۸۸ م.
- نجمی، ناصر، *طهران عهد ناصری*، تهران: عطار، ۱۳۶۴ ش.
- نصیری، محمدرضا و رحمانیان، داریوش و رضوی خراسانی، حسین، «لوطیان و نقش آنان در آشوب‌های اصفهان بین سالهای ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۵ هجری قمری برابر با ۱۸۲۴ تا ۱۸۴۹ میلادی»، *پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران*، شماره ۶، بهار و تابستان ۱۳۹۴ ش.
- نظام‌السلطنه مافی، حسین قلی خان، *خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام‌السلطنه مافی*، چاپ معصومه مافی، منصوره اتحادیه، سیروس سعدوندیان و حمید رام‌پیشه، تهران: نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲ ش.

- نعمانی، فرهاد، *توسعه صنعت در دوره قاجار و اثر غرب بر آن*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۵۳ش.
- والی‌زاده معزی، محمدرضا، *تاریخ لرستان روزگار قاجار*، چاپ حسین والی‌زاده معجزی و محمد والی‌زاده معجزی، تهران: انتشارات حروفیه، ۱۳۸۰ش.
- ویلز، چارلز جیمز، *ایران در یک قرن پیش*، ترجمه غلامحسین قراگوزلو، تهران: اقبال، ۱۳۶۸ش.
- یزد در اسناد امین‌الضرب (سالهای ۱۲۸۸-۱۳۳۰ قمری)، چاپ اصغر مهدوی و ایرج افشار، تهران: طلایه، ۱۳۸۰ش.
- یزدانی، سهراب، *مجاهدان مشروطه*، تهران: نشر نی، ۱۳۸۸ش.
- Lambton, A. K. S, *Islamic society in Persia*, Oxford, 1945.

